

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

عدالت اجتماعی ، رشد و توسعه اقتصادی با نگرشی به دیدگاه اسلامی

نویسنده: حسین یوسف خیل

استاد راهنما: قربانعلی دری نجف آبادی

استاد مشاور: اسداله فرزین وش، حسن سبحانی

سال تحصیلی: شهریور ۱۳۷۵

توصیفگر: ۲۰۶ ص. شماره بازیابی ۱۵۶ الف.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی / اقتصاد اسلامی / رشد اقتصادی / نظریه ها

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عدالت اجتماعی ، رشد و توسعه اقتصادی با نگرشی به دیدگاه اسلامی است. در حقیقت این پایان نامه سعی دارد به این سوال اساسی پاسخ دهد که آیا اساسا برقراری عدالت در اجتماع و برخوردهای مادی عادلانه - نه لزوما برابر - با رشد و توسعه ومقتضیات آن سازگار است؟ و یا آن چنان که برخی درصدد اثبات آن می باشند در تناقض با یکدیگر قرار دارند و برای تولید و رشد وتوسعه اقتصادی چاره ای از نابرابری های غیر عادلانه نیست؟

روش انجام این تحقیق کتابخانه ای است ومشتمل بر چهار فصل می باشد. فصل اول به ابعاد

روش شناسی و کلیاتی در چارچوب عدالت و رشد و توسعه اقتصادی می پردازد و کارآیی شاخص ها را

در تبیین رشد اقتصادی ، در آمد ملی و تشخیص فقر و نابرابری ، همچنین مدل های اقتصادی و محدودیت های کاربردی در استفاده از آنها را مورد بحث قرار می دهد. در فصل دوم دیدگاههای کارکردگراها و ساختارگراها در مورد رشد و توزیع درآمد مورد بررسی واقع می شود. دیدگاه کارکردگراها بیشتر عوامل مادی و بنحو اخص سرمایه را دخیل در رشد و توسعه می داند و برای بدست آوردن هرچه بیشتر سرمایه برای تسریع رشد اقتصادی و هر آنچه توسعه می نامد ، چاره ای از تشدید نابرابری نمی بیند. در ادامه دیدگاه ساختارگرا و لزوم رفع فقر و نابرابری برای توسعه پایدار به بحث گذاشته می شود و پس از آن عدالت و کارآیی به عنوان مقوله ای بسیار مهم در تحقق رشد توأم با برابری ، دولت و بازار و تأثیر و عملکرد مکانیزم بازار و ... مورد بررسی قرار میگیرد. فصل سوم توسعه غرب و ابعاد نابرابری و توسعه نیافتگی در جهان سوم را بررسی می کند و نهایتاً فصل چهارم به اصل عدالت اجتماعی در اقتصاد اسلامی می پردازد.

بر اساس نتایج تحقیق نظام اقتصادی اسلام در جهت گیری مکتبی و احکام و قانونمندی های الهی خود ، تدارک جامعه ای را می بیند که عدالت نه در رها بودن سرمایه داری و نه در انجماد و نفی آزادی های فطری سوسیالیسم بلکه با حفظ ملاک ها و ارزش های اسلامی تحقق یابد و از همین راستا ، استعدادهای معنوی و مادی تمامی انسان ها را شکوفا سازد ، آنگونه که رشد و توسعه از بطن جامعه ای عدالتخواه برمی خیزد. شواهد تجربی بسیاری از کشورها نشان می دهد که رشد اقتصادی ، توفیقی در کاهش فقر و نابرابری نداشته است . بلکه فقر ، فقر بیشتر را به همراه داشته است و تعدیلی در فاصله طبقاتی به خودی خود صورت نمی پذیرد . دور و تسلسل فقر و نابرابری در کشورهای توسعه نیافته ، فاصله آنها را با توسعه یافته ها افزایش میدهد و نظرات کارشناسانه نهادهای اقتصادی بین المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی تأثیری در بهبود حال آنها نداشته است. در نظام اقتصادی اسلام ، اهدافی بالاتر از رشد و توسعه مادی در زندگی و فعالیت های انسانی مدنظر قرار می گیرد. در این دیدگاه رشد و توسعه بخودی خود هدف نیست بلکه وسیله ای در راستای شکوفایی استعدادهای

عالی انسانی می باشد. علاوه بر این حکومت اسلامی رسالت خود را در برقراری عدالت می داند
و حکومت در اسلام اساسا با چنین اهدافی ، معنی می یابد.